وَ الباقياتُ الصّالِحاتُ خَيرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَيرٌ مَرَداً

لازم به تذکّر است که بخش قابل توجّهی از هزینهٔ طبع این اثر نفیس اسلامی از مورد ثلث مرحوم مبرور آقای «حاج محسن خاتمی» بنابر وصیّت معظّمٌ‌له ـ رضوان الله علیه ـ پرداخت شده است.

امید است که مطالعه کنندگان این کتاب از حقایق و معارف آن بهره‌مند گشته و روح آن مرحوم را به دعای خیر شاد فرمایند.

۰۳۰۶۳۳

صدوق

متن و ترجمهٔ کتاب غیبت نعمانیّ

مؤلف : ابن أبي زینب محمّد بن إبراهیم النّعمانيّ ـ رحمه الله ـ

مترجم : محمّد جواد غفّاری

۲۵۰۰ نسخه / ۱۳۷۶ ـ ۱۴۱۸ / چاپ دوم

حروفچینی کامپیوتری : صدوق (اکرم السّادات طهرانی)

لیتوگرافی : البرز / چاپ : نوبهار / صحافی : ایرانمهر

نشر صدوق : ۳۹۸۳۸٤ ـ ۷٦۱٤۱٦

شابك : ۹ ـ ۱۹ ـ ٦۲٤۷ ـ ۹٦٤ I.S. B. N. : 964 - 6247 - 19 - 9

تهران ـ میدان بهارستان ـ کوچه نظامیّه ـ شمارهٔ ۹۵

تهران ـ بهار جنوبی ـ کوچه نیلوفر ـ شمارهٔ ٤/۳۵

جمیع حقوق طبع برای ناشر محفوظ است

كَذَّبُوا بِالسّاعَةِ وَ أَعْتَدْنا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسّاعَةِ سَعِيراً».

۱۶ ـ أَخْبَرَنا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ[1] قالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى العَطّارُ بِقُمٍّ، قالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ حَسّانَ الرّازِيُّ قالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الكُوفِيُّ، قالَ: حَدَّثَنا إِبْراهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ، قالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسىٰ، عَنْ عَبْدِالرَّزّاقِ، عَنْ زَيْدٍ الشَّحّامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: وَ قالَ مُحَمَّدُ بْنُ حَسّانَ الرّازِيُّ: وَ حَدَّثَنا بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الكُوفِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ زَيْدٍ الشَّحّامِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام: أَيُّهُما أَفْضَلُ الحَسَنُ أَوِ الحُسَيْنُ؟ قالَ: «إِنَّ فَضْلَ أَوَّلِنا يَلْحَقُ فَضْلَ آخِرِنا، وَ فَضْلَ آخِرِنا يَلْحَقُ فَضْلَ أَوَّلِنا، فَكُلٌّ لَهُ فَضْلٌ. قالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِداكَ وَسِّعْ عَلَيَّ فِي الجَوابِ، فَإِنِّي وَاللهِ ما أَسْأَلُكَ إِلّا مُرْتاداً، فَقالَ: نَحْنُ مِنْ شَجَرَةٍ بَرَأَنا اللهُ مِنْ طِينَةٍ واحِدَةٍ، فَضْلُنا مِنَ اللهِ، وَ عِلْمُنا مِنْ عِنْدِاللهِ، وَ نَحْنُ أُمَناءُ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَالدُّعاةُ إِلىٰ دِينِهِ، وَ الحُجّابُ فِيما بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ، أَزِيدُكَ يا زَيْدُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، فَقالَ: خَلْقُنا واحِدٌ، وَ عِلْمُنا واحِدٌ، وَ فَضْلُنا واحِدٌ، وَ كُلُّنا

دروغ شمارد آماده ساخته ایم».

(در این خبر «ساعة» که در این آیه آمده است به علیّ علیه السلام تأویل شده است).

۱۶ ـ زید شحّام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: میان حسن و حسین کدام یک برتر از دیگری است؟ فرمود: «همانا برتری اوّلین فرد ما با برتری آخرین فرد ما بهم پیوند می یابد و فضل آخرین فرد ما با فضل اوّلین فرد ما پیوستگی دارد، پس همگی دارای فضل اند، زید گوید: به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم پاسخ را برایم باز بفرمائید [بیشتر شرح بدهید] به خدا قسم من جز به منظور پی جوئی حقّ از شما سؤال نمی کنم، امام فرمود: ما از شجره ای هستیم که خداوند همهٔ ما را از یک گِل آفرید، برتری ما از جانب خدا و علم ما (موهبتی) از نزد خداوند است، ما امانتداران خدا بر آفریدگان او هستیم و فراخوانندگان به دین او و پرده داران (واسطه) میان او و مخلوق او هستم، ای زید آیا می خواهی بیشتر برایت بگویم؟ عرض کردم: بلی، پس آن حضرت فرمود: ما از حیث آفرینش یکسانیم، و دانش و فضل ما یکسان است، و همه ما نزد خدای عزّوجلّ یکی هستیم، من عرض کردم: مرا از شمارتان آگاه کنید، فرمود: ما دوازده تن

۱ ـ الظاهر کونه الصّدوق عليّ بن بابويه القمّي.

واحِدٌ عِنْدَاللهِ عَزَّوَجَلَّ، فَقُلْتُ: أَخْبِرْني بِعِدَّتِكُمْ، فَقالَ: نَحْنُ اثْنا عَشَرَ ـ هٰكَذا ـ حَوْلَ عَرْشِ رَبِّنا جَلَّ وَ عَزَّ في مُبْتَدَءِ خَلْقِنا، أَوَّلُنا مُحَمَّدٌ، وَ أَوْسَطُنا مُحَمَّدٌ، وَ آخِرُنا مُحَمَّدٌ.

١٧ ـ أَخْبَرَنا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، قالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى العَطّارُ قالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُ ابْنُ حَسّانَ الرّازِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الكُوفِيِّ، عَنْ إبْراهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَبْدِالرَّزّاقِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ فُضَيْلٍ الرَّسّانِ، عَنْ أَبي ـ حَمْزَةَ الثُّمالِيِّ قالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الباقِرِ عليه السلام ذاتَ يَوْمٍ فَلَمّا تَفَرَّقَ مَنْ كانَ عِنْدَهُ قالَ، لي: يا أَبا حَمْزَةَ مِنَ المَحْتُومِ الَّذِي لا تَبْدِيلَ لَهُ عِنْدَاللهِ قِيامُ قائِمِنا، فَمَنْ شَكَّ فِيما أَقُولُ لَقِيَ اللهَ [سُبْحانَهُ] وَ هُوَ بِهِ كافِرٌ وَ لَهُ جاحِدٌ، ثُمَّ قالَ: بِأَبِي وَ أُمِّي المُسَمّىٰ بِاسْمِي وَ المُكَنّىٰ بِكُنْيَتِي [1]، السّابِعُ مِنْ بَعْدِي، بِأَبِي مَنْ يَمْلَأُ الأَرْضَ عَدْلاً وَ قِسْطاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، ثُمَّ قالَ: يا أَباحَمْزَةَ مَنْ أَدْرَكَهُ فَلَمْ يُسَلِّمْ بِهِ فَما سَلَّمَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عليهما السلام، وَ قَدْ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ الجَنَّةَ وَ مَأْواهُ النّارُ، وَ بِئْسَ مَثْوَى الظّالِمِينَ».

بدینگونه (اشاره با دست به صورت دائره) از آغاز آفرینش گرداگرد عرش پروردگارمان قرار داشته ایم، نام اوّلین فرد ما محمّد و نفر میانه محمّد، و آخرین فرد ما نیز محمّد است.

۱۷ ـ ابوحمزهٔ ثمالیّ گوید: «روزی در خدمت امام محمّد باقر علیه السلام بودم، وقتی افرادی که نزد او بودند متفرّق شدند به من فرمود: ابا حمزه یکی از امور حتمی که نزد خداوند تغییر ناپذیر است قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آنچه می گویم تردید کند در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که به او کافر و إنکار کننده اوست، سپس فرمود: پدرم و مادرم فدای آن که همنامِ من وهم کنیهٔ من است، هفتمین فرد پس از من، پدرم فدای آن کس که زمین را هم چنان که پر از ظلم و جور شده باشد سرشار از دادگری و عدل خواهد کرد، سپس فرمود: ای ابا حمزه هر کس که او را درک کند و در برابرش تسلیم نباشد، به (رسالتِ) محمّد و (امامت و خلافتِ) علیّ ـ علیهما السلام ـ گردن ننهاده است، و خداوند بهشت را بر او حرام فرموده و جایگاهش آتشِ دوزخ است، و چه بد است جایگاه ستمگران».

۱ ـ کنیهٔ حضرت صاحب علیه السلام تنها أبوالقاسم ذکر شده و جملهٔ «والمکنّی بکنیتی» راکسی افزوده است.